

بررسی و مقایسه عوامل دخیل در معناداری و کارکرد پاره‌گفتارهای واکنشی^۱ در گفت‌وگوهای فارسی

شهلا شریفی^{*}، محمدرضا پهلوان‌نژاد^۲، مهناز آزادمنش^۳

۱. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

دریافت: ۹۰/۳/۵

پذیرش: ۹۰/۷/۱۶

چکیده

این پژوهش به بررسی پاره‌گفتارهای واکنشی در پاره‌ای از مکالمات زبان فارسی می‌پردازد. پاره‌گفتارهای واکنشی، پاره‌گفتارهای کوتاهی مانند mm, hmm و... هستند که شنونده حین گوش‌دادن به گوینده، آن‌ها را تولید می‌کند، بدون اینکه نوبت‌گیری کند و یا اینکه گوینده نیازی به پاسخ دادن به آن‌ها داشته باشد. این کلمات بر پیشبرد هرچه بهتر گفت‌وگوها تأثیر می‌گذارد. اهمیت پاره‌گفتارهای واکنشی در زمان فقدان آن‌ها فهمیده می‌شود. اگر پاره‌گفتارهای واکنشی نابجا به کار رود، در روند مکالمه اختلال ایجاد می‌کند؛ پس چشم پوشیدن از آن‌ها در تحلیل مکالمات، باعث نادیده گرفتن بخش مهمی از تعاملات روزانه می‌شود. تاکنون، این پاره‌گفتارها در زبان فارسی مورد مطالعه و بررسی زبان‌شناختی قرار نگرفته است.

در پیکره زبانی این پژوهش، ۹۶۰ پاره‌گفتار واکنشی در کل مکالمات ضبط‌شده، اعم از مکالمات رودررو و مکالمات تلفنی، مشخص و آوانگاری شده و در چارچوب تجزیه و تحلیل مکالمه بررسی شده است. همچنین، نقش متغیرهایی مانند مشخصه‌های زبرزنجیره‌ای در معنا و میزان تأثیرگذاری این پاره‌گفتارها مورد مطالعه قرار گرفته است. داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد پاره‌گفتارهای واکنشی در بافت‌های مختلف، معانی متفاوتی دارند و می‌توان برای این پاره‌گفتارها مطابق با بسامدشان، معانی اصلی و جانبی در نظر گرفت. همچنین، می‌توان با توجه به عوامل دخیل در آن‌ها، طیفی برای میزان تأثیرگذاری این پاره‌گفتارها قائل شد. هدف ما از نگارش مقاله حاضر این است که

Email: shahlasharifi@hotmail.com

^{*} نویسنده مسئول مقاله:

آدرس مکاتبه: مشهد، میدان آزادی دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، گروه

زبان‌شناسی، کدپستی: ۹۱۷۷۹۴۸۹۷۴.

معنا و کارکرد پاره‌گفتارهای واکنشی زبان فارسی را در مکالمات این زبان مشخص کنیم و نقش برخی عوامل تأثیرگذار بر معنای این پاره‌گفتارها را نشان دهیم.

واژه‌های کلیدی: پاره‌گفتارهای واکنشی عام^۱، پاره‌گفتارهای واکنشی مفهومی^۲، خصوصیات زبرزنجیره‌ای^۳، بافت^۴، دلالت ضمنی^۵، گفت‌وگوهای فارسی.

۱. مقدمه

پاره‌گفتارهای واکنشی عبارات کوتاهی مانند mm, hmm و... هستند که شنونده حین گوش‌دادن به گوینده، آن‌ها را تولید می‌کند. این پاره‌گفتارها سه خصوصیت دارند: پاسخی مستقیم به محتوای صحبت گوینده‌اند، اختیاری هستند و نیاز به تصدیق از جانب گوینده ندارند (Ward & Tsukahara, 2000: 1182). پاره‌گفتارهای واکنشی در رویکرد سنتی و دستوربنیاد به زبان لحاظ نشده‌اند؛ ولی در روند مکالمه و پیشرفت آن نقش مهمی دارند (Gardner, 1998: 205). مکالمات روزانه فرایند پیچیده‌ای است که در آن، شنونده و گوینده نه‌فقط از اطلاعات دستوری و واژگانی، بلکه از اطلاعات بافتی و اجتماعی نیز بهره می‌گیرند. گوینده و شنونده فقط به پیام زبانی منتقل‌شده در مکالمه گوش نمی‌دهند تا معنای ارجاعی آن را درک کنند؛ بلکه به مشخصه‌های زبانی و غیرزبانی منتقل‌شده مانند آهنگ، تغییر نوع نگاه و حالات گوینده نیز توجه می‌کنند. با اینکه این مشخصه‌ها معنای ارجاعی ندارند، نقش ارتباطی مهمی دارند.

پاره‌گفتارهای واکنشی به‌عنوان راهکار ارتباطی^۶، در مکالمات زبان‌آموزان اهمیت زیادی دارند. با اینکه مکالمه یکی از جنبه‌های مهم آموزش است، از زمانی که آموزش زبان آغاز شده، جنبه‌هایی از مکالمه نادیده گرفته شده است. در این مقاله، به تأثیر شنونده در مکالمات از نظر نقش او در پیشبرد مکالمه پرداخته می‌شود. از آنجایی که یکی از اهداف آموزش زبان، قادر ساختن زبان‌آموز برای صحبت در دنیای واقعی است، توجه به نقش و جایگاه پاره‌گفتارهای واکنشی در مکالمات حایز اهمیت است.

در این پژوهش، پاره‌گفتارهای واکنشی در مکالمات زبان فارسی از نظر معنایی بررسی شده است. سؤال‌های تحقیق از این قرار است: ۱. معنا و نقش پاره‌گفتارهای واکنشی زبان فارسی در مکالمات این زبان چیست؟ ۲. نقش عواملی چون بسامد و متغیرهای زبرزنجیره‌ای

در معنا و کارکرد این پاره‌گفتارها چیست؟ فرضیه تحقیق نیز به این شرح است: معنا و کارکرد این پاره‌گفتارها در زبان فارسی کمابیش مانند معنا و کارکرد پاره‌گفتارهای واکنشی در دیگر زبان‌هاست که اطلاعات مربوط به آن‌ها در بخش پیشینه تحقیق خواهد آمد. به دلیل گستردگی حوزه مطالعاتی این پاره‌گفتارها در گفتار و مجال اندک این مقاله، فقط به پاره‌گفتارهای واکنشی زبانی^۸ توجه شده و نشانه‌های غیرزبانی^۹ مانند تکان دادن سر، حالات صورت، تغییر نوع نگاه و... در نظر گرفته نشده است.

۲. روش تحقیق

چارچوب نظری این پژوهش، «تجزیه و تحلیل مکالمه»^{۱۰} است. تجزیه و تحلیل مکالمه رویکردی است که با دقت زیادی، به بررسی مکالماتی می‌پردازد که به صورت طبیعی رخ می‌دهند. این رویکرد هم از نظر جمع‌آوری داده و هم از نظر شیوه تحلیل، مفاهیم خاص خود را دارد که با نظریات دیگر متفاوت است؛ زیرا محقق در آوانگاری به تمام مشخصات گفتار توجه دارد؛ مانند توالی نوبت‌ها، میزان سکوت و هم‌پوشی بین پاره‌گفتارها، مشخصات زیرزنجیره‌ای و خنده. با در نظر گرفتن این پاره‌گفتارها در مکالمات متنوع، با دیدگاه گسترده‌ای می‌توانیم به بررسی مکان، چگونگی کاربرد و نقش معنایی آن‌ها بپردازیم. در بررسی داده‌ها در چارچوب تجزیه و تحلیل مکالمه، بسیاری از عوامل مانند جنسیت، لهجه، سن، طبقه اجتماع، سطح تحصیلات، موضوعات مکالمه، مکان مکالمه و... در نظر گرفته نشده‌اند. در تجزیه و تحلیل گفت‌وگو، به زبان به عنوان پدیده‌ای پویا توجه می‌شود و برای همین در تحلیل داده‌ها به الگو می‌رسیم.

روش کار در این تحقیق این‌گونه است که در مرحله اول، هفتاد دقیقه مکالمات محاوره‌ای و روزمره گویشوران فارسی‌زبان در موقعیت‌های مختلف مانند خانه، دانشگاه، خوابگاه و مطب پزشک ضبط و جمع‌آوری شده است. به دلیل اهمیت مکالمات تلفنی در بررسی پاره‌گفتارهای واکنشی، ۱۳۳ دقیقه از مکالمات تلفنی نیز ضبط شده است. ۱۰۱ دقیقه از این مکالمات تلفنی از پایگاه داده بزرگ فارسی‌دات تلفنی گرفته شده است. این پایگاه داده شامل مکالمات تلفنی فارسی‌زبانان به منظور پردازش‌های زبانی است و به صورت طبیعی گردآوری



شده است. این مکالمات رسمی، مربوط به مکالمات اداری هستند. ۳۲ دقیقه نیز از مکالمات تلفنی بین دوستان و اعضای خانواده جمع‌آوری شده است.

ضبط داده‌های مکالمات رودرو و محاوره‌ای به صورت ناآگاهانه انجام شده است و روابط بین گویشوران از خویشاوند، دوست نزدیک، آشنایان تا غریبه‌ها را شامل می‌شود. تمام مکالمات بین یک گوینده و شنونده بوده است. در مکالمات رودرو، مؤلف در مقام دوست و یا شخص سوم حضور داشته و از این راه از ابهامات موجود در تفسیر معنای کلام تاحد امکان جلوگیری شده است؛ اما در تجزیه و تحلیل‌ها، پاره‌گفتارهای مؤلف در نظر گرفته نشده است. تمام مکالمات رودرو با دستگاه ضبط صوت قوی‌ای ضبط شده است. مکالمات تلفنی پایگاه داده فارسی‌دات نیز شامل موضوعات متنوع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... بین اشخاص با موقعیت‌های اجتماعی مختلف است.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، گام اول، مجهز شدن به داده‌های آوانگاری شده از گفت‌وگوهای تعاملی رودرو و مکالمات تلفنی است. گام دوم، کشف پاره‌گفتارهای واکنشی از داده‌های آوانگاری شده بر اساس خصوصیات صوری و تعریف پاره‌گفتارهای واکنشی است. خصوصیات صوری همان ویژگی‌های آوایی، واجی، واژگانی، نحوی و غیرکلامی پاره‌گفتارهایی است که به عنوان پاره‌گفتار واکنشی تشخیص داده می‌شوند و جایگاه قرار گرفتنشان در جمله بررسی می‌شود. از آنجایی که آوانگاری تمایزهای زبرزنجیره‌ای را به طور دقیق نشان نمی‌دهد و خصوصیات زبرزنجیره‌ای حاوی اطلاعات مهمی هستند، از نسخه ۵۱۶۱ نرم‌افزار پرات^{۱۱} به منظور روشن‌شدن این خصوصیات زبرزنجیره‌ای استفاده شده است. بنابراین، تمام گفت‌وگوهای این پیکره بارها گوش داده شده و سعی شده تا آوانگاری‌ها به طور دقیق انجام شود. سومین گام تجزیه و تحلیل پاره‌گفتارهای واکنشی، بررسی و کشف روابط معنایی آن‌ها در جملات است. به همین منظور، نقش این پاره‌گفتارها در بافت‌های متنوع مورد توجه قرار گرفته و میزان تأثیرشان با توجه به معنا بررسی شده است. در پیکره زبانی این پژوهش، ۹۶۰ پاره‌گفتار واکنشی در کل مکالمات ضبط‌شده، اعم از مکالمات رودرو و تلفنی، آوانگاری شده است.

۳. پیشینه تحقیق

بیشتر نظریه‌های زبان‌شناسی بر مقصود گوینده تمرکز دارند؛ مانند نظریه آستین (۱۹۶۲) و نظریه گرایس (۱۹۶۸). اما گامپرز (۱۹۸۲) هم به گوینده و هم به شنونده توجه می‌کند و معتقد است نظریه کاربردی گرایس جمله‌بنیاد است و بر پیش‌فرض‌های مشترک در تفسیر مقصود گوینده بنا شده است (Fujimoto, 2007: 36). گامپرز به نقش شنونده در تفسیر پاره‌گفتار گوینده توجه دارد. تجزیه و تحلیل گفتمان نیز یکی از چارچوب‌هایی است که به نقش شنونده، اطلاعات بافتی و... نظر دارد. ما در مکالمات روزانه به کمک دانش دستوری، واژگانی، دانش بافتی و اطلاعات قبلی، معنای جملات را تفسیر می‌کنیم. تحقیقات انجام‌گرفته در حوزه پاره‌گفتارهای واکنشی را می‌توان به چند بخش اصلی به شرح زیر تقسیم کرد:

۳-۱. بررسی نقش کاربردشناختی

فرایز^{۱۲} (1952) اولین کسی بود که در مطالعه مکالمات تلفنی انگلیسی‌زبان‌ها، راجع به پاره‌گفتارهایی مثل *uh-huh, I see, yeah* و... نوشت. او معتقد بود شنونده این پاره‌گفتارها را به کار می‌گیرد تا توجه خود را به گفتار گوینده نشان دهد (Cerrato, 2007: 9). ینگو^{۱۳} دوباره این پاره‌گفتارها را مطرح کرد و اصطلاح «نشانه‌های بازخوردی»^{۱۴} را برای آن‌ها به کار برد. ینگو این پاره‌گفتارها را با مسئله نوبت‌گیری مرتبط دانسته است:

انتقال نوبت از گوینده به شنونده یکی از جنبه‌های مکالمه است... تمایز سنتی بین گوینده و شنونده با تمایز نوبت‌داشتن یا نداشتن برای صحبت یکسان نیست؛ زیرا برخی از پاره‌گفتارها هستند که خارج از نوبت‌اند. این پاره‌گفتارها را نشانه‌های بازخوردی می‌نامیم. صاحب نوبت (گوینده) پاره‌گفتارهایی از قبیل *uh-huh* و *yeah* را حین صحبتش دریافت می‌کند، بدون اینکه نوبت خود را از دست بدهد (1970: 568).

دانکان و فیسکه اصطلاح پاره‌گفتارهای واکنشی را تعمیم دادند؛ به گونه‌ای که تکمیل جمله^{۱۵}، درخواست برای وضوح^{۱۶} و... را نیز شامل می‌شد. آن‌ها پاره‌گفتارهای واکنشی را به پنج دسته تقسیم کرده‌اند: ۱. کلماتی که با *m* شروع می‌شوند (*myeah* و *mmm*)؛ ۲. تکمیل جملات؛ ۳. تقاضا برای وضوح؛ ۴. تکرار کوتاه بخشی از صحبت^{۱۷}؛ ۵. تکان دادن سر^{۱۸}



(Duncan & Fiske, 1997: 13-15).

اسکگلف نقش پاره‌گفتارهای واکنشی را در چارچوب تجزیه و تحلیل گفتمان بررسی کرده است. او بر این باور است که نسبت دادن معنا یا قصد به پاره‌گفتارهای واکنشی کار ساده‌ای نیست؛ زیرا هیچ مؤلفه معنایی را که نشان‌دهنده این معانی باشند ندارند. اسکگلف نقش پاره‌گفتارهای واکنشی را «ادامه دادن»^{۱۹} و «تصدیق کردن»^{۲۰} می‌داند. «ادامه دادن» به معنای این است که مشکلی از جانب شنونده در درک و فهم مطلب نیست و گوینده می‌تواند به صحبت خود ادامه دهد و «تصدیق کردن» به معنای تأیید و موافقت با صحبت گوینده است. همچنین، اسکگلف چندنقشی‌بودن پاره‌گفتارهای واکنشی را شاهی بر اصل اقتصاد در زبان می‌داند. او تکرار پاره‌گفتارهای واکنشی را در مکالمات کوتاه نشان‌دهنده علاقه می‌داند و در مکالمات طولانی نشان‌دهنده خستگی (Schegloff, 1982: 74-89).

توتی (۱۹۹۱) دو نقش «حمایت‌کننده»^{۲۱} و «تنظیم‌کننده»^{۲۲} برای پاره‌گفتارهای واکنشی ذکر کرده است. نقش «حمایت‌کننده» توافق و فهم را نشان می‌دهد؛ درحالی که نقش «تنظیم‌کننده» نمودار ادامه‌دادن و عوض‌شدن موضوع است (as cited in Fujimoto, 2007: 40). توتی به تنوعات پاره‌گفتارهای واکنشی از قبیل حرکات بدن، پاره‌گفتارهای تک‌واژه‌ای، پاره‌گفتارهای گروه‌واژه‌ای و پاره‌گفتارهای طولانی‌تر مانند تقاضا برای وضوح و... نیز اشاره کرده و بین پاره‌گفتارهای واکنشی منفرد و پاره‌گفتارهای واکنشی متوالی مثل *sure right* و *yes* تمایز گذاشته است (as cited in McCarthy, 2003: 11).

توریسون^{۲۳} (۱۹۹۳) به این نکته اشاره کرده است که شنوندگان می‌توانند بدون توجه به محتوای گفته گوینده، پاره‌گفتار واکنشی تولید کنند. او این پاره‌گفتار واکنشی را پاره‌گفتار پوششی^{۲۴} نامیده است (as cited in Jonsdottir, 2007: 155). آندرسن و فرتیم پاره‌گفتارهای واکنشی را پاره‌گفتارهای نگرشی دانسته‌اند. آن‌ها بر این باورند که گوینده در گفتار خود فقط گزاره‌های زبانی را بیان نمی‌کند؛ بلکه نگرش خود را به این گزاره‌ها هم باز می‌گوید و شنونده نیز نگرش خود را به گفته گوینده نشان می‌دهد (Anderson & Fretheim, 2000: 3-7).

باولاس و دیگران در آزمایشی نشان داده‌اند شنونده می‌تواند به‌موقع در گفتار، با تکان دادن سرش و یا تولید دیگر پاره‌گفتارهای واکنشی توجه خود را به گوینده بفهماند، حتی وقتی

که موضوع دیگری حواسش را پرت کرده است. باولاس و دیگران اصطلاح پاره‌گفتارهای واکنشی عام^{۲۶} را برای این موارد به‌کار برده‌اند و اصطلاح پاره‌گفتارهای واکنشی مفهومی^{۲۶} را برای پاره‌گفتارهایی که در پاسخ به صحبت گوینده می‌آیند. آن‌ها در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند زمانی که گویندگان داستان پاره‌گفتارهای واکنشی مفهومی را از شنونده دریافت می‌کنند، داستان را با جذابیت بیشتری تعریف می‌کنند؛ ولی وقتی حواس شنونده پرت می‌شود و از او پاره‌گفتارهای واکنشی عام را دریافت می‌کنند، داستان‌ها را با بی‌حوصلگی تعریف می‌کنند (Bavelas et al., 2000: 945-949).

انگلس و دیگران سه پاره‌گفتار un, ee و hai را در زبان ژاپنی بررسی کرده‌اند. این پاره‌گفتارها نقش‌های متنوعی در زبان ژاپنی دارند؛ ولی هنگامی که به‌عنوان پاره‌گفتار واکنشی به‌کار می‌روند، به معنای درک و فهم و تشویق گوینده به ادامه‌دادن است. معمولاً این پاره‌گفتارهای واکنشی در مکث‌ها و بعد از سازه‌های نحوی مانند حروف ربط ga, kedo (or) (but) و یا فعل kara (because) به‌کار می‌روند. کاربرد این کلمات در ژاپنی به بافت بستگی دارد؛ از نظر رسمی بودن و میزان ادب، hai از همه رسمی‌تر و مؤدبانه‌تر است و بعد از آن، un و ee رسمیت کمتری دارند. بافت و خصوصیات زیرزن‌جیره‌ای از عوامل تأثیرگذار بر معنای پاره‌گفتارهای واکنشی هستند. در ژاپنی، un با آهنگ افتان پاره‌گفتار واکنشی به‌شمار می‌آید و با آهنگ خیزان واژه‌ای با معنای جواب مثبت «بله» است (Angles et al., 2000: 63-84).

وارد و تسوکاها (2000) نقش پاره‌گفتارهای واکنشی را توجه، فهم و یا توافق می‌دانند. اما گاهی این پاره‌گفتارهای واکنشی معنای بیشتری دارند؛ مانند قضاوت و همدردی که آن‌ها را ارزیابی نامیده‌اند و گاهی معنای کمتری دارند؛ مانند زمانی که خستگی شنونده و شک و تردید را می‌رسانند. درواقع، بسیاری از این پاره‌گفتارهای واکنشی به اطلاعاتی که هنوز گفته نشده است بازخورد می‌شوند و نشان می‌دهند صحبت هنوز ادامه دارد و کانال باز است (Ward & Al Bayyari, 2007: 1163).

مک‌کارتی معنای پاره‌گفتارهای واکنشی را مرتبط با کلمات yes و no دانسته است که در عین حال، معانی ضمنی^{۲۷} متنوعی هم دارند. بر همین اساس، این کلمات را yes-plus words نامیده است و اعتقاد دارد این کلمات در مکالمات مختلف توافق، تأیید، درک، مخالفت و... را



می‌رسانند (McCarthy, 2003: 5). مک‌کارتی کلماتی از قبیل wow و gosh را پاره‌گفتارهای واکنشی تعجبی دانسته است (ibid: 23). پاره‌گفتارهای واکنشی بخشی از علائم گفتمان^{۲۸} به‌شمار می‌روند. از لحاظ نحوی، علائم گفتمان مستقل از ساختار جملات و بند جملات هستند و می‌توانند در جایگاه‌های مختلفی در گفتار بیایند. از آنجایی که پاره‌گفتارهای واکنشی نیز از لحاظ نحوی مستقل‌اند و در مکان‌های متنوعی می‌آیند، می‌توان آن‌ها را جزئی از علائم گفتار دانست (ibid: 17).

جونسدوتیر و دیگران پاره‌گفتارهای واکنشی عام و مفهومی را- هنگامی که شنوندگان به قصه‌ای گوش می‌دهند- بررسی کرده‌اند. در این تحقیق دو شرایط آزمایشی شامل شرایط رودرو^{۲۹} و شرایط غیرمستقیم^{۳۰} وجود داشته است. گوینده ویدئوکلیپی را یک‌بار در شرایط رودرو با شنونده بازگو می‌کرده است و یک‌بار دیگر در شرایط غیرمستقیم. در شرایط غیرمستقیم، مانعی فیزیکی بین گوینده و شنونده بوده است و شنونده گوینده را در صفحه تلویزیون و یا کامپیوتر می‌بیند. با مقایسه این دو شرایط آزمایشگاهی، تفاوت چندان در میزان و انواع پاره‌گفتارهای واکنشی شنوندگان دیده نشده است (Jonsdottir et al., 2007: 156-160).

۲-۳. بررسی صوری و معنایی

وارد اصوات غیرلغوی^{۳۱} در انگلیسی آمریکایی را بررسی کرده و مدلی ترکیبی برای این اصوات پیشنهاد داده است. این مدل برای هر مؤلفه صوتی یک معنا در نظر می‌گیرد و نشان می‌دهد معانی تاحد زیادی ترکیبی هستند. این مدل با نظریه سوسور- که رابطه صورت و معنا را اختیاری می‌داند- در تناقض است. وارد برای تعیین معانی اصوات به تمام پاره‌گفتارهایی که آن صدا را دارند، توجه کرده و معنای مشترکی را برای آن‌ها استنباط کرده است. او برای پاره‌گفتارهای غیرلغوی جفت‌های کمینه‌ای پیدا کرده که یکی صدای موردنظر را داشته و دیگری نداشته است و تفاوت معنایی را در این جفت‌های کمینه نشان داده است؛ مانند uhn و uhm (Ward, 2006: 129). همچنین، او فهرستی آوایی متشکل از ده واج با معانی مجزا ارائه داده است. برای مثال، «a» را نشان‌دهنده دریافت اطلاعات جدید

دانسته است و «n» را نشان‌دهنده اطلاعاتی که از گفتارهای قبل قابل دریافت است. در آخر، وارد نتیجه گرفته است که اصوات غیرلغوی زیرمجموعه‌ای در زبان هستند که با هم هم‌نشین می‌شوند تا عبارتی با معنای ترکیبی بسازند (ibid: 121-143).

تنوعات پاره‌گفتارهای غیرلغوی زیاد است و شنیدن اصواتی مثل hn, hm, hahn و... دور از انتظار نیست. اما برای این تنوعات محدودیت‌هایی نیز وجود دارد و هر صدایی در پاره‌گفتارهای غیرلغوی نمی‌آید. وارد علت محدودیت هم‌نشینی این اصوات را در محدودیت‌های معنایی می‌داند و معتقد است به دلیل محدودیت‌های معنایی، فقط یک‌سری اصوات که دارای معانی سازگارند، قابلیت هم‌نشینی دارند. بنابراین، uh-huh یک توالی مجاز است؛ زیرا «h» نشان‌دهنده توجه و احترام است، «schwa» خنثی است و این دو معنا می‌توانند با هم بیایند (ibid: 145). به علاوه، وارد علت فهرست کوتاه اصوات را که در پاره‌گفتارهای غیرلغوی می‌آید، محدودیت پردازش می‌داند. او فرض می‌کند که اگر پیام اصلی گفتمان که توسط گوینده بیان می‌شود، قسمت اعظم پردازش‌های زبانی مغز را به خود اختصاص دهد، پردازش پاره‌گفتارهای واکنشی باید از نظر عصبی مجزا باشد (ibid: 148). این شواهد وجود مدل ترکیبی برای پاره‌گفتارهای غیرلغوی را توجیه می‌کند؛ ولی از سوی دیگر، این مدل رابطه اصوات و معانی را مستقل از بافت تصور کرده است؛ درحالی که اصوات در بافت‌های مختلف معانی متنوعی دارند. ازاین‌رو، در مدل ترکیبی ایرادهایی نیز وجود دارد.

فوجیموتو اصطلاح «نشانه‌های بازخوردی»^{۳۲} را مشکل‌ساز دانسته است. ولی اکثر پژوهشگران در تحقیقاتشان این اصطلاح را به‌کار برده‌اند. مهم‌ترین مشکل این اصطلاح این است که به‌طور ضمنی القا می‌کند پاره‌گفتارهایی که شنونده در طول مکالمه تولید می‌کند، در مقایسه با پاره‌گفتارهای گوینده اهمیت کمتری دارند و این نکته را که گوینده و شنونده در مکالمه با هم همکاری می‌کنند می‌پوشاند (Fujimoto, 2007: 50). از سوی دیگر، او اظهار کرده است که محققان هیچ تعریف واحدی از پاره‌گفتارهای واکنشی بیان نکرده‌اند؛ آن‌ها در پژوهش‌های خود، بنابر پاره‌گفتارهای مورد مطالعه، تعریفی بیان کرده‌اند؛ این مسئله مقایسه نتایج را مشکل می‌کند (ibid). بنابر این شواهد، فوجیموتو نتیجه گرفته است که اصطلاح نشانه‌های بازخوردی مزیت خود را برای محققان از دست داده است. او اصطلاحات عام‌تری



مانند پاسخ شنونده^{۳۳} و پاره‌گفتارهای واکنشی^{۳۴} را به‌جای این اصطلاح پیشنهاد کرده است (ibid). به همین علت، در این تحقیق نیز از اصطلاح پاره‌گفتارهای واکنشی استفاده کرده‌ایم.

۳-۳. بررسی خصوصیات زبرزنجیره‌ای

خصوصیات زبرزنجیره‌ای مانند آهنگ، تکیه و... از عوامل تأثیرگذار بر معنای پاره‌گفتارهای واکنشی هستند. محققان در بررسی‌های خود به اهمیت این خصوصیات زبرزنجیره‌ای تأکید کرده‌اند. گاردنر (1998) پاره‌گفتارهای واکنشی mm mmhm و yeah را با توجه به خصوصیات زبرزنجیره‌ای آن‌ها در مکالمات انگلیسی بررسی کرده است. از نظر او، پاره‌گفتارهای واکنشی بسیار متنوع و چندنقشی هستند؛ ولی یک کاربرد مرکزی دارند. mmhm با آهنگ افتان-خیزان به معنای «ادامه دادن» است. شنونده به‌وسیله این پاره‌گفتار به گوینده می‌فهماند که به سخن خود ادامه دهد. این پاره‌گفتارها وقتی استفاده می‌شوند که هنوز صحبت گوینده تمام نشده است. با گفتن yeah با آهنگ افتان، شنونده نشان می‌دهد سخن گوینده را درک کرده است و این پاره‌گفتار اغلب نقش «تصدیق کردن» را دارد. mm در بسیاری از موارد می‌تواند به‌جای yeah به‌کار رود؛ اما درجه اهمیت آن فرق می‌کند: yeah از mm تأثیر بیشتری دارد. نقش اصلی mm با آهنگ افتان این است که شنونده نمی‌خواهد مطلبی را به موضوع اضافه کند و از لحاظ درک مطلب مشکلی ندارد؛ درواقع mm یک تصدیق ضعیف^{۳۵} است. با تغییر آهنگ، معنای این پاره‌گفتارها هم فرق می‌کند. mmhm با آهنگ افتان-خیزان «توافق» را می‌رساند؛ درحالی که yeah و mm با آهنگ افتان-خیزان معنای ادامه دادن را دارد (Gardner, 1998: 209-220).

گاردنر در تحقیق دیگری نقش هشت پاره‌گفتار واکنشی را در مکالمات انگلیسی بررسی کرده است. او در این تحقیق mmhm و uh-huh با آهنگ افتان-خیزان و yeah و mm با آهنگ خیزان را به معنای «ادامه دادن» دانسته است (Gardner, 2001: 99). mmhm و uh-huh، برخلاف yeah و mm، به‌تنهایی و بدون پاره‌گفتار کوتاه دیگری به‌کار می‌روند؛ ولی yeah و mm بیشتر گرایش دارند با پاره‌گفتارهای دیگری مثل yeah right همراه شوند و بیشتر تمایل شنونده را به گوینده‌شدن نشان می‌دهند (ibid: 106-109). yeah و mm با آهنگ افتان به معنای «تصدیق کردن» هستند. yeah پربسامدترین و mm کوتاه‌ترین پاره‌گفتار واکنشی در

مکالمات انگلیسی هستند. oh و right اطلاعات جدید معرفی شده توسط گوینده^{۳۶} را نشان می‌دهند و این اطلاعات را ارزیابی می‌کنند. کاربرد ok و alright در مکالمات نشان‌دهنده عوض شدن موضوع است و alright معنای قوی‌تری از ok دارد (ibid: 173-179).

شنونده در مکالمات مختار است بر مبنای درک و فهمش، پاره‌گفتار واکنشی تولید کند؛ اما این پاره‌گفتارها در زمان خاصی در مکالمه می‌آیند و این زمان به آنچه گوینده می‌گوید و چگونگی بیان آن وابسته است. بسیاری از محققان عوامل تعیین‌کننده زمان تولید پاره‌گفتارهای واکنشی در مکالمات را مطالعه کرده‌اند. یکی از عوامل مرتبط، بیان اطلاعات جدید از سوی گوینده است. عامل دیگر، پایان سازه‌های نحوی است. به علاوه، این زمان‌ها توسط خصوصیات زبرزنجیره‌ای نشان داده می‌شوند. در زبان‌ها نشانه‌های زبرزنجیره‌ای متنوعی وجود دارد که گوینده به کمک آن‌ها می‌تواند زمان تولید پاره‌گفتارهای واکنشی را به شنونده بفهماند. در این باره، تحقیقات زیادی در زبان‌های مختلف برای شناسایی این خصوصیات زبرزنجیره‌ای و مکان پاره‌گفتارهای واکنشی انجام شده است.

وارد یکی از نشانه‌های زبرزنجیره‌ای در زبان ژاپنی را ناحیه زبرزنجیره‌ای کم^{۳۷} دانسته است. او به کمک محاسبات ریاضی، اندازه زیروبمی، طول آن و زمان تولید پاره‌گفتارهای واکنشی را بعد از این ناحیه زیروبمی به‌طور دقیق اندازه‌گیری کرده است. وارد یک طیف معنایی نیز برای پاره‌گفتارهای واکنشی در نظر گرفته است. در یک‌سوی طیف، پاره‌گفتارهای واکنشی مانند خنده، سرفه و اشاراتی که به‌سختی دیده می‌شوند می‌آیند؛ در وسط طیف، پاره‌گفتارهایی که برای گوینده آشکارتر هستند، ولی اطلاعات معنایی ندارند؛ در سوی دیگر طیف، پاره‌گفتارهایی می‌آیند که بیانگر علاقه، تعجب و دلسوزی‌اند و نیز آن‌هایی که پاره‌گفتارهای گوینده را کامل می‌کنند (Ward, 2000: 1729).

هایاشی^{۳۸} (۱۹۹۶) به سرعت گفتار به‌عنوان عامل تأثیرگذاری در معنا اشاره کرده است. وقتی شنونده هم‌زمان با صحبت گوینده، پاره‌گفتار واکنشی توافق و حمایت را تولید می‌کند، سرعت تولید آن با سرعت تولید گفتار گوینده یکسان است؛ اما هنگام مخالفت یا بی‌علاقگی، سرعت گفتار شنونده با گوینده تفاوت دارد (as cited in Kita, 1998: 655).

نگوچی و دن نشانه‌های زبرزنجیره‌ای را در زبان ژاپنی مطالعه کرده‌اند. آن‌ها بین دو بافت مثبت و منفی تمایز قائل شده‌اند. بافت‌های مثبت بافت‌هایی هستند که همه اشخاص در



آن بافت‌ها پاره‌گفتار واکنشی تولید می‌کنند. بافت‌های منفی هم بافت‌هایی را دربرمی‌گیرند که تولید پاره‌گفتارهای واکنشی در آن‌ها اختیاری است. نگوچی و دن برای تعیین این بافت‌ها، با انجام آزمایش روان‌شناختی، از اشخاص خواسته‌اند وقتی که فکر می‌کنند زمان مناسب تولید پاره‌گفتار واکنشی است، کلیدی را فشار دهند. آن‌ها با توجه به تغییرات طول مکث‌ها، بسامد و انرژی، قانونی را برای بافت‌های مثبت و منفی ارائه کرده‌اند:

۱. در بافت‌های مثبت، بعد از آهنگ خیزان یا خیزان- افتان در پایان عبارات، پاره‌گفتار واکنشی می‌آید.

۲. در بافت‌های منفی، اغلب پس از افت ناگهانی زیروبمی و آهنگ در پایان عبارات، پاره‌گفتار واکنشی می‌آید (Noguchi & Den, 1998: 488-490).

وارد و تسوکاها را نیز ناحیه زیروبمی کم را به‌عنوان علامت تولید پاره‌گفتارهای واکنشی در زبان‌های ژاپنی و انگلیسی بررسی کرده و پس از اندازه‌گیری‌های کمی به این قانون رسیده‌اند: در ناحیه زیروبمی کمتر از بیست و شش درصدی و طول حداقل صدوده میلی‌ثانیه که هفتاد میلی‌ثانیه بعد از شروع صحبت گوینده بیاید، به شرط آنکه پاره‌گفتار واکنشی دیگری در هشتصد میلی‌ثانیه قبل تولید نشده باشد، بعد از هفتصد میلی‌ثانیه پاره‌گفتار واکنشی تولید می‌شود. آن‌ها صحت این قانون را در زبان‌های انگلیسی و ژاپنی بررسی کرده‌اند. درستی این قانون در زبان انگلیسی کمتر بوده؛ ولی در ژاپنی موارد زیادی از پاره‌گفتارهای واکنشی را پیش‌بینی کرده است. وارد و تسوکاها را بر این باورند که این تفاوت به دلیل کاربرد کمتر پاره-گفتارهای واکنشی در زبان انگلیسی و تفاوت‌های فرهنگی و دستوری است. پایان سازه‌های نحوی در زبان انگلیسی و مکث‌های موجود در گفتار گوینده، مکان‌های پربسامدتری برای تولید پاره‌گفتارهای واکنشی بوده‌اند. این قانون، تولید پاره‌گفتارهای واکنشی عام را هنگام پرت‌بودن حواس شنونده توجیه می‌کند (Ward & Tsukahara, 2000: 1185-1195).

وارد و البیاری با هدف آموزش مهارت تولید پاره‌گفتارهای واکنشی در عربی مصری، به بررسی این پاره‌گفتارها پرداخته و نشانه‌های زبرزنجره‌ای را در گفتار گوینده مشخص کرده‌اند. این نشانه‌ها زمان تولید پاره‌گفتارهای واکنشی را می‌نمایانند. اولین و برجسته‌ترین نشانه، زیروبمی خیزان^{۳۹} در پایان پاره‌گفتارهاست. دومین نشانه، زیروبمی یکنواخت در بسامد پایین^{۴۰} است که با واکه‌های کشیده در گفتار غیرروان^{۴۱} ارتباط دارد. آخرین نشانه،

زیروبمی افتان تند^{۴۲} است که از بقیه نشانه‌های زیروبمی بسامد بالاتری دارد. این افت زیروبمی پیوسته و تقریباً خطی است و از زیروبمی قبل و بعد از آن با زاویه‌های تند مجزا می‌شود. وارد و الیاری بر اساس این خصوصیات زبرنجیره‌ای، یک قانون کمی بر حسب میلی‌ثانیه مطرح کرده و عملکرد بالای این قانون را با محاسبه موارد پیش‌بینی زمان درست و مناسب پاره‌گفتارهای واکنشی در عربی مصری نشان داده‌اند (Ward & Al Bayyari, 2007: 188-204).

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

پاره‌گفتارهای واکنشی در بافت‌های مختلف، معانی متنوعی را می‌رسانند؛ بافت و خصوصیات زبرنجیره‌ای نیز در تعیین معنای پاره‌گفتارهای واکنشی تأثیرگذارند. در این بخش ابتدا، یک دسته‌بندی معنایی برای پاره‌گفتارهای واکنشی زبان فارسی - که نگارندگان فراهم کرده‌اند - ارائه می‌شود و در ادامه، نقش عوامل تأثیرگذار بر معنای این پاره‌گفتارها تحلیل می‌شود.

۴-۱. دسته‌بندی معنایی پاره‌گفتارهای واکنشی در زبان فارسی

به‌طور کلی، پاره‌گفتارهای واکنشی بر اساس نقش معنایی آن‌ها، در دو دسته اصلی جای می‌گیرد: پاره‌گفتارهای واکنشی عام و پاره‌گفتارهای واکنشی مفهومی.

پاره‌گفتارهای واکنشی عام به آن مواردی اطلاق می‌شود که در مکالمه‌ای طولانی و یا سخنرانی، شنونده کاملاً از موضوع دور می‌شود و اصلاً حواسش به محتوای صحبت گوینده نیست؛ ولی به‌موقع، هنگام شنیدن، سر خود را تکان می‌دهد و یا پاره‌گفتارهای واکنشی لغوی و غیرلغوی تولید می‌کند. وجود عوامل واژگانی، نحوی و زبرنجیره‌ای در گفتار گوینده توجیهی برای کاربرد به‌موقع این نوع پاره‌گفتارهای واکنشی در گفتار است.

تفاوت پاره‌گفتارهای واکنشی عام با پاره‌گفتارهای واکنشی مفهومی در این است که در تولید پاره‌گفتارهای واکنشی عام، حالات صورت شنونده فاقد علائمی مثل تعجب، بالارفتن ابروها، تغییر نوع نگاه و... است؛ زیرا شنونده اصلاً متوجه محتوا نشده است که بتواند واکنشی مطابق و مناسب آن نشان دهد. تعیین پاره‌گفتارهای واکنشی عام در پیکره زبانی بسیار سخت است؛ زیرا کاربرد این پاره‌گفتارها عاملی درونی است و وابسته به ذهن



شنونده. گاهی با توجه به واکنش گوینده به پاره‌گفتار شنونده، می‌توان گفت شنونده از پاره‌گفتارهای واکنشی عام بهره گرفته است:

E. g. 1: A: čon ?az lahâze ?un ?andiše momkene za?fi dar zabân bâše

B: ?enšâlâh

A: mâ ?az ?in heys migim ke za?fi dar zabân nabâše...

در این مثال، کاربرد «?enšâlâh» از سوی شنونده نابجا بوده است؛ چرا که باعث شده گوینده تصور کند سخنانش خوب درک نشده است و در نتیجه، سعی می‌کند مقصودش را واضح‌تر بیان کند.

نوع دوم، پاره‌گفتارهای واکنشی مفهومی هستند که به‌نحوی واکنش شنونده را به مفهوم بیان‌شده توسط سخن‌گو نشان می‌دهند. برای مثال، هنگامی که مادری برای فرزندش داستان می‌گوید، کودک بنا بر محتوا، حالات مختلفی مثل ترس، تعجب، خوشحالی، ناراحتی و... را نشان می‌دهد. از آنجایی که پاره‌گفتارهای واکنشی در تعاملات روزانه نقش‌های متنوعی بر عهده دارند، می‌توان پاره‌گفتارهای واکنشی مفهومی را به زیربخش‌هایی تقسیم کرد. تمام پاره‌گفتارهای واکنشی مفهومی به‌نحوی معنای «ادامه دادن» یا به‌عبارتی تشویق گوینده به ادامه صحبت خود را دارند:

E. g. 2: A: ?albate nâgoftē namânad (↘)

B: bale (→) → به‌معنای ادامه دادن

A: ke mabnâye mâ — do kiluyi hast sado bist tomane

اما گاهی پاره‌گفتارهای واکنشی علاوه بر معنای «ادامه دادن»، معانی ضمنی متعددی را می‌پذیرند که در ادامه دسته‌بندی شده‌اند:

۱. تأیید و موافقت: شنونده گاهی سخن طرف مقابل را به‌نحوی تأیید و تصدیق می‌کند:

E. g. 3: A: tuye morakabât ?anvâ?e bimârihâye virusi hastan be ?aškâle moxtalef mivarō bad šeklo bad keyfiyat mikonan (↘)

B: doroste (↘)

پاره‌گفتارهای واکنشی «?âre h̄mm h̄mun daqīqan» با این معنا کاربرد دارند.
۲. درک و فهم: گاهی در تعاملات روزانه، سخن‌گو چیزی می‌گوید که شنونده تا به حال نمی‌دانسته و یا به آن توجه نکرده است. در این موارد شنونده درک خود را از مطلب با تولید پاره‌گفتار واکنشی نشان می‌دهد.

E. g. 4: A: hâlâ ?išâlâ ?az siyo panj ruz be ba:d xodešo nešun mide dar fâseleye dah ruz (↘)

B: ?âhâ (→)

A: kole vazne xodešo nešun mide

پاره‌گفتارهای واکنشی «?âhâ h̄mm h̄â» با این معنا کاربرد دارند.

۳. تعجب: گاهی شنونده با بیان کلمه یا عبارتی، تعجب خود را به محتوای صحبت گوینده نشان می‌دهد:

E. g. 5: A: fardâ ?emtehân dâram (↓)

B: jêdan (↑)

پاره‌گفتارهای واکنشی‌ای که در این معنا کاربرد دارند، شامل «?ee .vây» ،breath intake ،jedi ،doruq migi و «vâ» می‌شوند.

۴. عدم درک: گاهی شنونده چیزی را نمی‌شنود، بد می‌شنود و یا متوجه منظور سخن‌گو نمی‌شود؛ به همین دلیل سؤالی می‌پرسد تا منظور سخن‌گو برایش روشن شود.

E. g. 6: A: ?az ?injâ čizi bâyard tahiye konin bebarin šoma(→)

B: jân (↑)

سؤالات کوتاه مانند «...ki .key» و «...» و یا پاره‌گفتارهای واکنشی غیرلغوی با آهنگ خیزان مانند «hâ ،hmm و...» در این معنا کاربرد دارند.

۵. مخالفت: برخلاف موافقت، گاهی شنونده درباب عقیده و یا واقعیت بیان‌شده، مخالفت خود را اظهار می‌کند:

E. g. 7: A: ?in ?alân buq mizane qa:t miše ?az sob do bâr hamin juri šode(↓)

B: na (↓)

پاره‌گفتارهای واکنشی «na .na bâbâ» و... در این معنا کاربرد دارند.

۶. واکنش‌های احساسی: گاهی شنونده با تولید پاره‌گفتارهای واکنشی، ناراحتی، خوشحالی، تأسف و یا علاقه خود را نشان می‌دهد:

E. g. 8: A: fekr karde bud gije man budam gerye mikardam (laugh)

B: laugh

پاره‌گفتارهای واکنشی «laugh ،click» و... در این معنا کاربرد دارند.

از کل پاره‌گفتارهای واکنشی موردبررسی تحقیق، ۵۹ مورد فقط به معنای «ادامه دادن» بوده‌اند و ۲۸۷ مورد به معنای «تأیید»، ۳۶۲ مورد به معنای «درک و فهم»، ۷۰ مورد به معنای «تعجب»، ۱۳ مورد به معنای «عدم درک»، ۳ مورد به معنای «مخالفت» و ۶۵ مورد به معنای «واکنش‌های احساسی» کاربرد داشته‌اند.

۲-۴. نقش‌های معنایی اصلی و جانبی پاره‌گفتارهای واکنشی

با اینکه پاره‌گفتارهای واکنشی در بافت‌های گوناگونی، معانی مختلفی را می‌رسانند، می‌توان



برای پاره‌گفتارهای واکنشی در زبان فارسی یک معنای کانونی یا اصلی در نظر گرفت. «xob» در ۸۱ درصد از موارد با معنای درک و فهم به‌کار رفته و در ۱۹ درصد از موارد فقط به معنای «ادامه دادن» بوده است.

E. g. 9: A: ?emruz kelâs dâšti(↓)

B: ?âre dâštam (→)

(1 second)

A: xob (→) → به معنای ادامه دادن و برای اجتناب از نوبت‌گیری

E. g. 10: A: ba:d man ?un moqe zadam qušīye ?apel xob (↑)

B: xob → به معنای درک و فهم

«?âre» در ۹۷ درصد از موارد به معنای تأیید بوده و فقط در یک مورد به معنای درک و فهم به‌کار رفته است.

E. g. 11: A: mozu?i ke mixây ?entexâb koni bâyard beduni ke mituni matlab darâri ruš kâr koni

B: ?âre (↓) → به معنای تأیید

E. g. 12: A: ?in čiyâyi ke paxš mikonan, ?az ?in bastehâye keyko ?âbmive(↓)

B: ?âre ?âre

در مثال ۱۲، تکرار «?âre» به معنای شناختن و درک کردن موضوع صحبت گوینده است و گوینده را به پرداختن به موضوع اصلی ترغیب می‌کند. در ۶۶ درصد از مواردی که شنونده بخشی از صحبت گوینده را تکرار کرده است، به‌نوعی درک و فهم خود را نشان داده است؛ در ۲۹ درصد از موارد، صحبت گوینده را تأیید کرده است؛ در ۵ درصد هم تعجب خود را نشان داده است:

E. g. 13: A: čon ?age bexân baluči ro bâ fârsi begiran ke šebâhat be ?un tariq peydâ nemiše

B: nemiše na → به معنای تأیید

E. g. 14: A: man šenidam sâlhâ čandin sad ton — xob lâstik tu havâ paxš miše (↓)

B: lâstik (→) → به معنای تعجب

E. g. 15: A: mâ ye čand jalase?i raftim hamun harfe be ro neveštīm (↓)

B: harfe be (↓) → به معنای درک و فهم

پاره‌گفتارهای واکنشی «?ehtemâlan, ?enšâlâh, xošbaxtâne, ?eyval, ?ahsan, ?âfarin, sad dar sad, hatman, daqiqan, kâmelan» در تمام بافت‌هایی که به‌کار رفته‌اند به‌نوعی معنای تأیید را داشته‌اند: E. g. 16: A: ?enšâlâh ke dige mas?ulin be fekr

bâšan (√)

B: ?enšâlâh

E. g. 17: A: ke ?az ye maqta?e xâsi negâh nakonan be zabân (√)

(1 second)

B: hatman

در تمام مواردی که شنونده قادر بوده به نحوی مقصود گوینده را حدس بزند، درک و فهم خود را نشان داده است؛ ولی اگر حدس شنونده درست نباشد، به معنای درک نادرست منظور گوینده تلقی می‌شود. در پیکره زبانی این تحقیق، فقط در یک مورد حدس شنونده اشتباه بوده است:

E. g. 18: A: ?inâ rafiqe rafiqe —

B: dânešgâh(√)

A: barâdarešun budan

تمام مواردی که شنونده با پرسشی کوتاه منظور گوینده را برای خود روشن کرده، به معنای عدم درک در نظر گرفته شده است. پاره‌گفتارهای واکنشی «breath intake.jedan.jedi»

doruq migi و vâqe?an .vây .oh .vâ .če jâleb در تمام بافت‌ها معنای تعجب را داشته‌اند:

E. g. 19: A: masalan mâ mixâbidim yeho bačehe jiq mizane (√)

B: breath intake vây

E.g. 20: A: kelâsâ bištar šode punsad nafar (√)

B: jedan(↑)

E. g. 21: A: porpozâlešo tamum karde tahvilam dâde dige bâyad ?emzâ begire?o(↑)
doruq migi

«bale» وقتی به تنهایی در بافت گفتمان به کار رفته، بیشتر معنای تأیید و درک و فهم را رسانده است؛ این پاره‌گفتارها در ۳۷ درصد با معنای درک و فهم، ۵۰ درصد با معنای تأیید، ۱۲/۵ درصد با معنای ادامه دادن و ۰/۵ درصد با معنای عدم درک کاربرد داشته است. اما زمانی که «bale bale» به عنوان پاره‌گفتار واکنشی به کار رفته، در ۷۲ درصد از موارد به معنای تأیید، ۲۳ درصد به معنای درک و فهم و در ۵ درصد به معنای ادامه دادن بوده است. به همین ترتیب، انواع پاره‌گفتارهای واکنشی به همراه بسامد کاربردشان در معانی مختلف در جدول شماره یک آمده است. در ادامه، مثال‌هایی از انواع پاره‌گفتارهای واکنشی با معانی مختلف ذکر شده است.

E. g. 22: A: tarhe mâ ham barâ ?irâne va ham barâ hende

B: bale → به معنای درک و فهم

E. g. 23: A: sobhânamuno hanuz nadâdan

B: ?ee (√) → به معنای تعجب



E. g. 24: A: bištar kârâye hâyede va mo?in ro mipasandam

B: hmm → به معنای درک و فهم

E. g. 25: A: kilu hamun sado haftâd toman dolat zarar karde

B: doroste → به معنای تأیید

E. g. 26: A: ba:d hamin ?akram

B: click → به معنای احساسی

A: gofte nabâyad bâhâš ru dar bâyesi dâšte bâšim

E. g. 27: A: male xode tabrizan man fekr konam male rustâhâye tabriz bâšan

B: na bâbâ

در تمام مثال‌هایی که در این تحقیق آمده، «na» به معنای مخالفت بوده است؛ ولی کاربرد «na» با معنای تعجب نیز دور از انتظار نیست. «click» نیز به نوعی احساس تأسف شنونده را می‌رساند و به همین دلیل، جزء پاره‌گفتارهای واکنشی احساسی در نظر گرفته شده است. همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد، تمام پاره‌گفتارهای واکنشی به نحوی توجه گوینده را می‌رسانند و گوینده را به ادامه صحبت تشویق می‌کنند. در نظر گرفتن این معنا برای پاره‌گفتارهای واکنشی فقط به این دلیل است که برخی پاره‌گفتارهای واکنشی معنای جانبی دیگری ندارند.

جدول ۱ بسامد کاربرد پاره‌گفتارهای واکنشی در معانی مختلف

پاره‌گفتارهای واکنشی	تأیید	درک	تعجب	مخالفت	احساسی	ادامه دادن	عدم درک
xob	—	٪۸۱	—	—	—	٪۱۹	—
?âre	٪۹۷	٪۳	—	—	—	—	—
repetition	٪۲۹	٪۶۶	٪۵	—	—	—	—
?eyval	٪۱۰۰	—	—	—	—	—	—
vâqe?an	—	—	٪۱۰۰	—	—	—	—
suggestion	—	٪۸۶	—	—	—	—	٪۱۴
clarification	—	—	—	—	—	—	٪۱۰۰
jedan	—	—	٪۱۰۰	—	—	—	—
bale	٪۵۰	٪۳۷	—	—	—	٪۱۲/۵	٪۰/۵
bale bale	٪۷۲	٪۲۳	—	—	—	٪۵	—
jedi	—	—	٪۱۰۰	—	—	—	—

ادامه جدول ۱

پاره‌گفتارهای واکنشی	تأیید	درک	تعجب	مخالفت	احساسی	ادامه دادن	عدم درک
hamun	%۱۰۰	—	—	—	—	—	—
na	—	—	—	%۱۰۰	—	—	—
doruqmigi	—	—	%۱۰۰	—	—	—	—
doroste	%۹۰/۴	%۶/۶	—	—	—	%۳	—
?enšâlâh	%۱۰۰	—	—	—	—	—	—
xošbaxtâne	%۱۰۰	—	—	—	—	—	—
?ehtemâlan	%۱۰۰	—	—	—	—	—	—
yaqinan	%۱۰۰	—	—	—	—	—	—
hatman	%۱۰۰	—	—	—	—	—	—
daqiqan	%۱۰۰	—	—	—	—	—	—
kâmelan	%۱۰۰	—	—	—	—	—	—
sad dar sad	%۱۰۰	—	—	—	—	—	—
?âfarin	%۱۰۰	—	—	—	—	—	—
?ahsant	%۱۰۰	—	—	—	—	—	—
Čejâleb	—	—	%۱۰۰	—	—	—	—
breath intake	—	—	%۱۰۰	—	—	—	—
hmm	%۲۹	%۵۵	%۵	—	—	—	—
vây	—	—	%۱۰۰	—	—	—	—
hâ	%۱۲/۵	%۷۲	%۶	—	—	—	%۹/۵
?ee	—	%۳	%۹۷	—	—	—	—
?âhâ	—	%۸۸	—	—	—	%۱۲	—
Click	—	—	—	—	%۱۰۰	—	—
?oh	—	—	%۱۰۰	—	—	—	—
vâ	—	—	%۱۰۰	—	—	—	—
?â	—	%۱۰۰	—	—	—	—	—
laugh	—	—	—	—	%۱۰۰	—	—

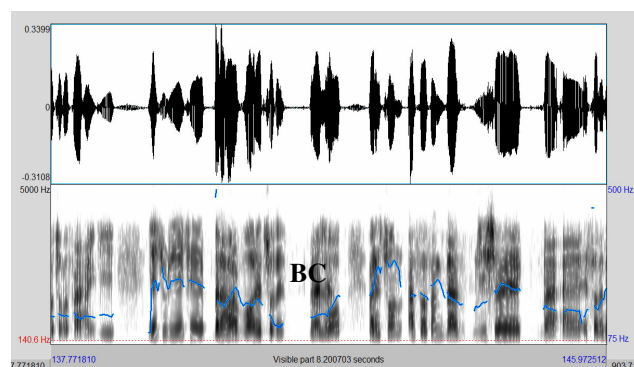


۳-۴. عوامل زبرزنجیره‌ای تأثیرگذار بر معنای پاره‌گفتارهای واکنشی

یکی از عوامل تأثیرگذار بر معنای پاره‌گفتارهای واکنشی، خصوصیات زبرزنجیره‌ای آن‌هاست. برای مثال، «bale» با آهنگ افتان به معنای تأیید و موافقت می‌تواند باشد؛ ولی با آهنگ خیزان، تعجب و یا عدم درک را نشان می‌دهد. واژه «na» با خصوصیات زبرزنجیره‌ای متفاوت، ممکن است در بافتی به معنای مخالفت به‌کار می‌رود و در بافت دیگری به معنای تعجب باشد. البته، نمی‌توان گفت هرجا پاره‌گفتار واکنشی «bale» با آهنگ خیزان به‌کار رود، تعجب و یا عدم درک را می‌رساند. ممکن است در بافتی، «bale» با آهنگ خیزان، تأیید و یا معانی دیگر را نیز برساند:

E. g. 28: A: be tab musiqi ham jozve farhanghâyi hast ke nemiše goft hâlâ em _ nemixâm begam tahâjome farhangi _ ye jurâyi ke be har hâl vâred šode (↘)

B: bale (↗) → به معنای تأیید



نمودار تغییرات زیروبمی مثال ۲۸

درواقع، نمی‌توان پاره‌گفتارهای واکنشی را با آهنگ افتان و خیزان به معنای خاصی دانست؛ ولی به‌طور کلی، بیشتر پاره‌گفتارهای واکنشی با آهنگ افتان به معنای تأیید، درک و فهم و ادامه دادن بوده‌اند و با آهنگ خیزان به معنای تعجب و عدم درک. علاوه بر آهنگ، خصوصیات زبرزنجیره‌ای دیگری نیز بر معنا تأثیر می‌گذارد که ما در اینجا به برخی از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

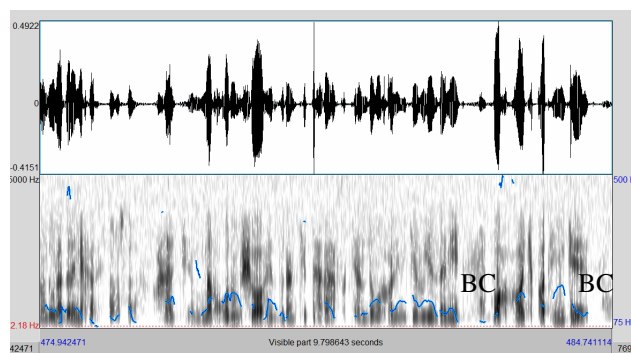
بلندی صدا هنگام تلفظ پاره‌گفتارهای واکنشی، موضع شنونده را در تعامل نشان می‌دهد. به همین ترتیب، وقتی شنونده پاره‌گفتارهای واکنشی را آهسته‌تر بیان می‌کند، میزان تأثیر آن نیز کاهش می‌یابد:

E. g. 29: A: man xodam šâhed budam ke taraf gandomo xâli mikard ru zamin

B: bale (→) → به معنای درک و فهم

A: bâ xâk qâti mikard

B: bale → به معنای درک و فهم



نمودار ۲ تغییرات زیروبمی مثال ۲۹

همچنین مدت تولید پاره‌گفتارهای واکنشی معرف تأثیر گفتار بر شنونده است؛ هرچه پاره‌گفتارهای واکنشی طولانی‌تر و کشیده‌تر تلفظ شود، تأثیرشان بیشتر می‌شود:

E. g. 30: A: goft ?alân bebin siyose?o misisipiyo bad talafoz mikoni (↘)

B: ?ee → تعجبی با تأثیر کمتر

E. g. 31: A: goft dir ?umadin bisto se sâlegi dire _ xob (↗)

B: ?ee: → تعجبی با تأثیر بیشتر

تکرار هجا نیز باعث تأثیر بیشتر پاره‌گفتارهای واکنشی می‌شود. تکرار هجا لزوماً به پاره‌گفتارهای واکنشی دوهجایی محدود نمی‌شود و ممکن است به پاره‌گفتارهای سه‌هجایی و یا بیشتر نیز منجر شود. نکته درخور توجه در تکرار هجا این است که هجایی که تکرار می‌شوند مثل هم نیستند و ممکن است واکه یا همخوانی به آن‌ها اضافه یا از آن‌ها حذف



شود: ?â, ?âhâ, ?âre ?âre, bale bale, hmm, mm, ?â, ?âhâ و

E. g. 32: A: ?âre talafâtešun xeyli bâlâtare (√)

B: ?â (→) → به معنای درک و فهم

E. g. 33: A: man mamulan ?az ?in forușgâhâye refâho šahrvand mixaram

B: ?âhâ (√) → به معنای درک و فهم

اما گاهی تکرار هجا مانند مثال شماره ۱۲ تأثیر بیشتر را نمی‌رساند؛ بلکه به معنای شناخت موضوع قبلی و تشویق گوینده برای پرداختن به موضوع جدید است. درواقع، می‌توان برخی از تکرارهای یکسان هجا را به معنای شناخت و درک اطلاعات کهنه دانست.

E. g. 34: A: ye no: ? mâhi hast kučulu ?an (√)

B: bale bale → شناخت ماهی کولی

متغیر بودن تمام مشخصات بیان‌شده به قاطع نبودن دسته‌بندی معنایی منجر می‌شود و اهمیت توجه به بافت، موقعیت و موضع شنونده را نشان می‌دهد.

۴-۴. درجات پاره‌گفتارهای واکنشی

پاره‌گفتارهای واکنشی در هرکدام از نقش‌ها، در میزان تأثیر و شدتشان یکسان نیستند. برای مثال، در نقش تأیید، گاهی شنونده کاملاً حرف گوینده را تأیید می‌کند و گاهی زیاد با او هم‌عقیده نیست. در این صورت، هربار، از یک پاره‌گفتار واکنشی بهره می‌گیرد. اگر هم از پاره‌گفتارهای واکنشی یکسانی استفاده کند، بافت و حالات صورت شنونده می‌تواند بهترین وسیله ایجاد تمایز میان درجات پاره‌گفتارهای واکنشی باشد. درواقع، ما می‌توانیم برای پاره‌گفتارهای واکنشی طیفی در نظر بگیریم که در یک‌سو میزان نقشی بالا، در سوی دیگر میزان نقشی پایین و در وسط میزان نقشی خنثی است. ?âre, bale و doroste در معنای تأیید، از hmm- که به همان معنا به کار می‌رود- تأثیر بیشتری دارند. همچنین، پاره‌گفتارهای واکنشی مانند daqiqan, sad dar sad, kâmelan, yaqinan, hatman و doroste تأثیر بیشتری دارند:

E. g. 35: A: farq mikone ye baluče dige dar hade dige ?i zabâne fârsi ro ye jure dige ?i talafoz mikone

B: yaqinan (↗)

E. g. 36: A: bexosus ?in ruzâ rošde xodro dar šahrâ va maxsus šahrâye bozorg xeyli _ ?eftezâhe

B: doroste (→)

E. g. 37: A: do sâl miri sarbâzi miyây sare xune zendegit (√)

B: hmm

تکرار و ترکیب پاره‌گفتارهای واکنشی باعث مؤثرتر شدن پاره‌گفتارها می‌شود:

E. g. 38: A: ?un farde rustâyi fekr mikone pišrafteš yâ motamaden budaneš tu šahr zendegi kardan bâše

B: bale doroste (→)

سؤالات کوتاه و حدس زدن ادامه صحبت گوینده، جزء پاره‌گفتارهای واکنشی‌ای هستند که تأثیر زیادی دارند؛ زیرا توجه بیشتری از شنونده را می‌طلبند. به علاوه، پاره‌گفتارهای واکنشی طولانی‌تر از پاره‌گفتارهای واکنشی کوتاه‌تر تأثیر معنایی بیشتری دارند. breath intake از دیگر پاره‌گفتارهای واکنشی با معنای تعجب، تأثیر بیشتری می‌گذارد. همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد، کشش، بلندی صدا و تکرار هجا نیز تأثیر پاره‌گفتارهای واکنشی را افزایش می‌دهند. پاره‌گفتارهای واکنشی‌ای که با زیروبمی یکنواخت تولید می‌شوند، از پاره‌گفتارهای واکنشی‌ای که با افت و خیز زیروبمی تولید می‌شوند، تأثیر کمتری دارند:

E. g. 39: A: qazâyi ham hast ke xeyli ?âsuno râhat tahiye miše

B: na ziyâdam râhat nist (√)

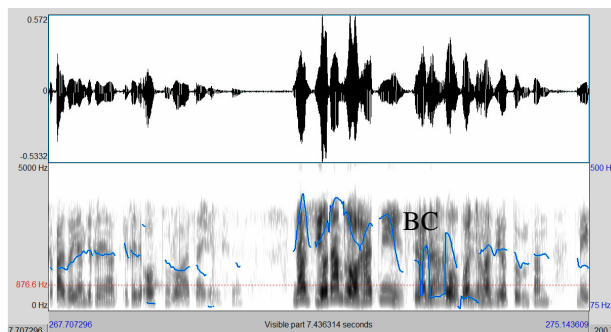
A: jedan (↘↗)

E. g. 40: A: vali čarbe

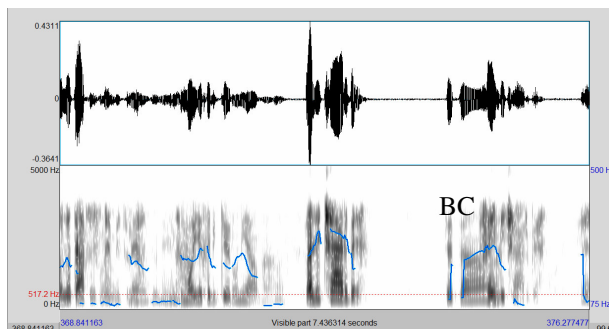
(2 seconds)

B: jedan(↗)

A: xeyli čarbe

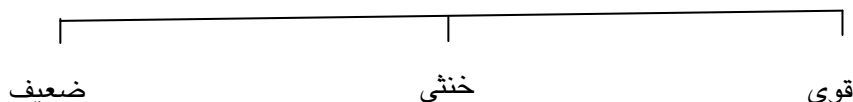


نمودار ۳ تغییرات زیروبمی مثال ۳۹



نمودار ۴ تغییرات زیروبمی مثال ۴۰

به طور کلی، پاره‌گفتارهای واکنشی عام که بی‌توجه به محتوا تولید می‌شوند و به‌تنهایی در گفتار می‌آیند، مانند تکان دادن سر یا گفتن mm، از لحاظ تأثیرگذاری ضعیف هستند. پاره‌گفتارهای واکنشی‌ای که فقط به معنای «ادامه دادن» هستند، با زیروبمی یکنواخت تولید می‌شوند، کوتاه هستند و خنثی در نظر گرفته می‌شوند. پاره‌گفتارهای واکنشی طولانی‌تر با مفاهیم مختلف (مانند تأیید، درک و فهم و...) و همراه با تغییرات زیروبمی، بلندی، کشش و تکرار هجا، تأثیرگذاری بیشتری دارند.



۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله، پاره‌گفتارهای واکنشی از نظر معنا و نقش برخی عوامل تأثیرگذار بر آن بررسی شد. از لحاظ معنایی و کاربردی، این پاره‌گفتارها در مکالمات نقش مهمی ایفا می‌کنند و به سخن‌گو می‌فهمانند که سخنانش چگونه درک می‌شود. درواقع، شنونده با تولید پاره‌گفتارهای واکنشی موضع خود را به سخنان گوینده نشان می‌دهد.

در پاسخ سؤال اول تحقیق، به‌لحاظ معنایی، پاره‌گفتارهای واکنشی زبان فارسی در دو دسته پاره‌گفتارهای عام و مفهومی قرار می‌گیرند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد پاره‌گفتارهای

واکنشی عام در مکالمات فارسی کم‌اند و پاره‌گفتارهای مفهومی اغلب به‌نحوی به معنای «ادامه دادن» هستند؛ اما گاهی معانی جانبی هم دارند. علت کم‌بسامدبودن پاره‌گفتارهای واکنشی عام شاید تاحدی به مشکل شناسایی و تشخیص این نشانه‌ها مربوط باشد؛ زیرا شناسایی این نشانه‌ها به ذهن شنونده وابسته است و در موارد معدودی از روی داده‌ها قابل تشخیص است. با اینکه در بافت‌های مختلف، معانی پاره‌گفتارهای واکنشی متفاوت است، بسامد کاربرد آن‌ها نشان می‌دهد برخی از پاره‌گفتارها در بافت‌های مختلف دارای معانی پایه و اصلی هستند. این یافته‌ها همسو با فرضیه تحقیق هستند که بیان می‌کرد معنا و نقش پاره‌گفتارهای واکنشی در زبان فارسی کمابیش به هم‌تاهای خود در زبان‌های دیگر شبیه است. همچنین، نتایج به‌دست‌آمده همسو با تحقیقات اسکگلف (۱۹۸۲)، توتی (۱۹۹۱)، توریسون (۱۹۹۲)، گاردنر (۱۹۹۸) و مک‌کارتی (۲۰۰۳) است.

در پاسخ سؤال دوم، با توجه به یافته‌های تحقیق، خصوصیات زبرزنجیره‌ای مانند زیرویمی، آهنگ، تکرار هجا، کشش و... در میزان تأثیر این پاره‌گفتارها مؤثرند؛ با این حال تأثیر این عوامل در گفتار یکسان نیست. برای مثال، پاره‌گفتارهای واکنشی‌ای که با زیرویمی یکنواخت تولید می‌شوند، از پاره‌گفتارهای واکنشی‌ای که با افت‌وخیز زیرویمی تولید می‌شوند، تأثیر کمتری دارند. بررسی پاره‌گفتارهای واکنشی حوزه گسترده‌ای را شامل می‌شود و جای تحقیق بسیاری دارد. پاره‌گفتارهای واکنشی می‌توانند از جنبه‌های دیگری چون مشخصات آوایی، کاربرد جنسیتی، بافت موقعیتی، کاربرد در آموزش زبان دوم و مطالعات بین‌فرهنگی نیز بررسی شوند.

۹. پی‌نوشت‌ها

1. reactive tokens
2. generic back channel
3. content back channel
4. suprasegmental features
5. context
6. implicature
7. communicative strategy
8. verbal back channels
9. non-verbal back channels



10. conversational analysis
11. praat
12. Fries
13. Yngve
14. back channels
15. sentence completion
16. ask for clarification
17. brief restatement
18. head nod
19. continuers
20. acknowledgement
21. supportive
22. regulative
23. Thorisson
24. envelope feedback
25. generic feedback
26. content feedback
27. interactional implicature
28. discourse markers
29. face to face
30. mediate
31. non-lexical sounds
32. back channel responses
33. listener response
34. reactive tokens
35. weak acknowledgement
36. newsmakers
37. low pitch region
38. Hayashi
39. pitch upturn
40. low flat pitch
41. disfluency
42. sharp pitch downslope

۱۰. منابع

- Anderson, G. & T. Fretheim (eds.). (2000). *Pragmatic Markers & Prepositional Attitude*. Amsterdam: John Benjamin publication.
- Angles, J. et al. (2000). "Japanese responses hai, ee, and un: yes, no, and beyond". *Language and communication*. 20. pp. 55-86.

- Bavelas, I. B. et al. (2000). "Listeners as Co-narrators". *Journal of personality and social psychology*. 79 (6). pp. 941-952.
- Cerrato, L. (2007). *Investigating communicative feedback phenomena across languages and modalities*. Doctoral thesis. Gothenburg university.
- Duncan, S. & D. Fiske. (1997). *Face to face interaction: research, method and theory*. Lawrence Erlbaum: Hillsdale
- Fujimoto, D. T. (2007). "Listener responses in interaction: A case for abandoning the term, Back channel". 35-54:
<http://ir-lib-wilmina.ac.jp/dspace/bistream/10775/48/1/03.pdf>
- Gardner, R. (1998). "Between speaking and listening: the vocalization of understandings". *Applied linguistics*. 19 (2). pp. 204-224.
- _____ (2001). *When listener talk: response tokens and listener stance*. Amestedam: John Benjamins.
- Jonsdottir, G. R. et al. (2007). "Fluid semantic back-channel feedback in dialogue: challenges & progress". In C. Pelachud et al. (eds.). *Proceedings of 7th international conference on intelligent virthual agent*. Paris. pp. 154-160.
- Kita, S. (1998). "Book reviews of Cognition, empathy, and interaction: Floor management of English and Japanese conversation". *Journal of pragmatics*. 29. pp. 639-658.
- McCarthy, M. (2003). "Talking back: 'small' interactional response tokens in everyday conversations". *Research on language in social interaction*. 36 (1). pp. 33-63.
- Noguchi, H. & Y. Den. (1998). "prosody-based detection of the context of back channel responses". *ICSLP*. 98. pp. 487-490.
- Schegloff, E. (1982). "Discourse as an interactional achievement: Some uses of 'uh huh' and other things that come between sentences". In D. Tannen (ed.). *Analyzing discourse: Text and talk*. Washington: Georgetown university press. pp. 71-93



- Ward, N. (2006). "Non-lexical conversational sounds in American English". *Pragmatics and cognition*. 14 (1). pp. 113-184.
- Ward & Al Bayyari. (2007). "A prosodic feature that invites back channels in Egyptian Arabic". In M. Mughazy (ed.). *perspectives in Arabic Linguistics xx* . Amsterdam: John Benjamins. pp. 186-206
- Ward, N. & W. Tsukahara. (2000). "Prosodic features which cue back-channel responses in English and Japanese". *Journal of pragmatics*. 32. pp. 1177-1207.
- Yngve, V. (1970). "on getting a word in edgewise". *papers from the 6th regional meeting*. Chicago: Chicago linguistics society. pp. 568-578.